

سرمقاله

سرکوب، میان پرده عقب نشینی و تلاشی

منصور امان

تشکیل یک نهاد اطلاعاتی و سرکوب جدید در جمهوری اسلامی که نخستین بار توسط آیت الله شاهرودی، رییس قوه قضاییه آشکار گردید، می تواند به روشنی سمتگیری رژیم ملاها در واکنش به مجموعه تحولات داخلی و خارجی را نشان دهد. ضرورت افزودن یک عایق امنیتی دیگر گرداگرد "نظام"، به خودی خود از وجود نگرانی بیشتر پیرامون تهدیدهایی که حکومت با آن روبرو است، حکایت می کند. امری که از بی اعتباری روز افزون در داخل و بحران اتمی در خارج سرچشمه گرفته و تاثیر متقابل و ناگزیر این دوفاکتور بر یکدیگر را در هیات وضعیتی "نظام" شکن، در برابر چشم و نظر رهبران حکومت به تصویر کشیده است.

فرو رفتن هرچه بیشتر در لاک دفاعی، فشرده ساختن فزاینده ابزارها و امکانات اعمال قدرت و کوتاه کردن پروسه ی تصمیم گیریها، تدابیری است که چاره اندیشان حکومت به جانب آن میل کرده اند. با این وجود، سیاست مزبور با هر تعداد از چنگالهای استبداد دولتی، به دشواری می تواند سستی و شکنندگی دستگاه قدرتی که به پشت آن پناه برده است را پوشیده نگاه دارد. جمهوری اسلامی به دلیل آسوگی از چالشهایی که به گونه سازمان یافته یا در قالب مطالبات طبقات و لایه های اجتماعی گوناگون در برابر آن قرار گرفته نیست که اینک در پی کنترل "محلات و بازار" برآمده است. مونتاژ زواید جدید بر پیکر بی تناسب ماشین سرکوب، تلاشی نومیثانه برای آرایش گرفتن بر سطح زمینی است که لوزه گرفته و قرار گرفتن بر آن، از توان حاکمان بینوا و متصل به آسمان، فراتر می رود. آنان در مقابل شرایط تحمیل شده، واکنش نشان می دهند بدون آنکه قادر باشند چیزی از آن کاسته یا برآن بیافزایند. به زمین کوفتن گُلنگ یک نهاد امنیتی جدید، جز رسمیت دادن به بی ثباتی و تهدید موجودیت به مثابه وضعیت ثابت مفهومی نمی تواند داشته باشد و همزمان، اعتراف به انفعالی است که حکومت در پهنه ی مداخله و تغییر در آن بدان دچار شده است.

سبب گاری اقتدار نظام به این میزان از قوه ی اسب "داوطلب" نیازمند گردیده است اما یک نگاه فشرده به آثاری که چرخ قدرت در زمین ناهموار شرایط داخلی و خارجی به جا گذاشته است، بیانگر آن است که تدبیر او به هیچ روی تصادفی نیست و در امتداد سیاست "تولید اقتدار" به حرکت درآمده است.

بی درنگ پس از بیرون راندن باند رقیب از مجلس، تلاش برای تامین ثبات نسبی در داخل، و به عقب راندن جنبش اجتماعی آغاز گردید و چونان گذشته، دور جدید سرکوب با اعمال خشونت بار تحمیلات فرهنگی، شروع شد. رد لایحه پیوستن جمهوری اسلامی به کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان، پیش درآمد سلسله هجومهایی برای نمایش قدرت در خیابان گردید که در اوج خود می بایست اعدام یک دختر نوجوان ۱۶ ساله را همچون شوک به پیکر جامعه تزریق می کرد. پس از آن، پیگرد کوشندگان پایگاههای اینترنتی غیر رسمی و تشکلهای غیردولتی، حرکت دستگاه قدرت به سمت حذف کلیه فاکتورهای بالقوه یا بالفعلی که آن را به چالش می گرفتند را آشکار ساخت. هجوم دوباره به دانشگاه ها و سازماندهی و فعال کردن گماشتگان خود در این مراکز، یک حلقه ی مهم از زنجیره را تشکیل می داد. تاخت و تاز چماق داران حکومتی در دانشگاه علم و صنعت و به همراه آن آهنگ گرفتن یک ارکستر از گماشتگان رژیم در دانشگاهها که به شکایت و تهدید پیرامون "تهاجم فرهنگی" می پردازند، نشان از تدارک برای اقدامات گسترده تر دارد.

تفنگ کشی در جریان افتتاح فرودگاه جدید، سمتگیری تحولات در جمهوری اسلامی را آشکار ساخت. ختم یک اختلاف درونی بدون استفاده از سازوکارهای رسمی و مورد قبول دو طرف، مفهوم دیگری جز پایان گرفتن تاریخ مصرف آنها و شروع یک مرحله جدید در حیات سیاسی جمهوری اسلامی نداشت. برشی که نیروهای غالب آن، بی آنکه در پی پنهانکاری باشند، بر حق اعمال یکجانبه و بی واسطه ی طرحها و تمایلات خود اصرار می ورزند و ابزار سازگار با آن را میدان آورده اند. هنگامی که مجلس ملاها، به دایره اطلاعات سپاه پاسداران ماموریت داد تا مساله اختلاف آن با وزارت بهداشت را در دست بگیرد، در حقیقت این چارچوب جدید تصمیم گیری بود که طرح مشخصی می یافت. چشم اندازی که جمهوری اسلامی با

نگاه به آن به زمین گام می نهد، ضرورت صحرایی و اضطراری کردن تدابیر و شیوه ی عملی ساختن آنها را بر خود نقش کرده است. رهبران و کارگزاران "نظام"، در مدار بسته ای که سیاستهای آنان به منظور حفظ قدرت به وجود آورده است، به گردش درآمده اند و همراه با شتاب گرفتن فرایند رویدادها، به سرگیجه ی بیشتری دچار می شوند.

آنان چاره خود برای حفظ "نظام" را در دخیل بستن به سلاح اتمی و به موازات آن افزایش نفوذ در کشور بحران زده ی عراق جسته اند. دو معجزه ای که امکان شفا یافتن یا کور شدن از آنها به یکسان وجود دارد. فشارهای بین المللی در خلال یک سال گذشته برای وادار کردن جمهوری اسلامی به کنار گذاشتن نقشه های خود در این زمینه، ژرفایی که ملاها می توانند در باتلاق بمب اتم و جمهوری اسلامی عراق فرو برونند را به آنان یادآور شده است. طرفهای خارجی ملاها، با طرح بازگشت پرونده رژیم به شورای امنیت سازمان ملل به صورت یک گزینه ی جدی و در دستور کار، حساسیتی که نسبت به نقشه های جمهوری اسلامی وجود دارد و دامنه ای که می تواند بگیرد را در برابر آن به دوری گذاشته اند. ملاها می توانند انتخاب کنند: وارد شدن در پروسه ای که مشابه آن را رژیم پیشین عراق تجربه کرد یا عقب نشینی و نشان دادن تفاهم با نگرانیهای ایالات متحده و اتحادیه اروپایی. توافق اخیر با تعلیق غنی سازی اورانیوم بیانگر آن است که جمهوری اسلامی هنوز هیچیک از این گزینه ها را به صورت یک وضعیت قطعیت یافته ارزیابی نکرده و کماکان میدان مانور را بسته نمی بیند. واکنش ناهمگون کارگزاران مختلف حکومت پیرامون توافق مزبور و تفسیرهای ارادی از آن، تنها با هدف تداوم بخشیدن به روند فرسایشی کنونی و هدایت آن به کانالهای انحرافی جدید تعهدات کنونی ملاها پیش از نشست هیات اجرایی آژانس بین المللی انرژی اتمی، از آمادگی آنها برای عقب نشینی مشخص در این یا آن حوزه مورد اختلاف حکایت دارد. سیاستی که به دلیل تعمیق بحران، ویژگی چیره برآن بازدارندگی و محاسبه پذیر نمودن خساراتی است که "نظام" به هر صورت ناچار به تحمل آن است.

بقیه در صفحه ۷